

رادان: امروز آماده‌تر از دیروزیم

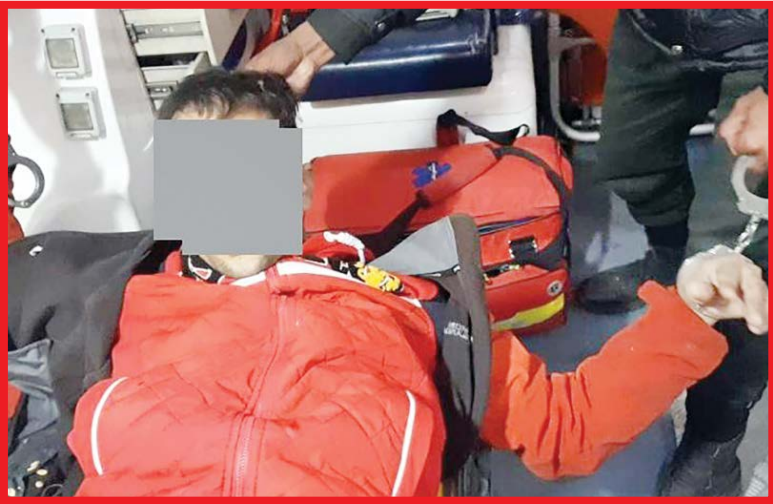
رئیس پلیس کشور باتاکید براین‌که امروز آماده‌تر از دیروز هستیم، گفت: شیوه‌هایی که دشمن در جنگ ترکیبی و هیبریدی به کار می‌گیرد، اهمیت کار انتظامی را دو چندان کرده است. سردار احمد رضا رادان، فرمانده فراجا در مراسم تکريم و معارفه روسای قدیم و جدید پلیس پایتخت که صبح دیروز در ستاد قاتب برگزار شد، گفت: حساسیت انجام ماموریت و انجام وظیفه در مجموعه انتظامی کشور خاص و منحصر به فرد است که

دلایل مختلفی دارد. وی ادامه داد: همین حساسیت نیز سبب ویژگی‌های خاص در اتخاذ رویکرد ها شده است. شیوه‌هایی که دشمن در جنگ ترکیبی و هیبریدی به کار می‌گیرد، اهمیت کار انتظامی را دو چندان کرده است. سردار رادان با بیان این‌که امروز آماده‌تر از دیروز هستیم، گفت: این را همواره به دشمنان مان اعلام کردیم. در هر فتنه‌ای در نهایت شرف و آبرو نثار بیجه‌های مخلص بسیج و مدافعان امنیت

۲ ماجرای گروگانگیری با شهادت مامور پلیس افتخاری و رهایی گروگان‌ها به پایان رسید

شامگاه گروگانگیری در شیراز

شامگاه یکشنبه در شیراز، شب جولان گروگانگیران بود. گروگانگیرانی که در دو ماجرای جداگانه، دو دختر را در دو محله شیراز ربودند. عامل گروگانگیری اول پس از به شهادت رساندن پلیس افتخاری و با شلیک پلیس به پایش دستگیر شد. سه پسر جوان هم با نقشه شیطانی دختری را ربوده بودند که آنها نیز با عملیات تعقیب و گریز پلیس دستگیر شدند.



زن، مشخص شد در بلوار چمران در حال تردد است. ماموران در کمتر از ۱۰ دقیقه خود را به آن خودرو رسانده و دستور ایست دادند. مرد مسلح وقتی پلیس را در تعقیب خود دید، با رهاکردن گروگان به سمت باغات حاشیه بلوار چمران متواری شد. ماموران به تعقیب او ادامه دادند که گروگانگیر به سمت شان شلیک کرد. در این شلیک گلوله‌ای به پهلوی محمود هوشمند خلاری، از ماموران وظیفه شناس پلیس افتخاری شیراز اصابت کرد. در ادامه متهم از ناحیه پا هدف گلوله قرار



به گزارش خبرنگار جام‌جم، حدود ساعت ۱۰ شب یکشنبه زنی در تماس با پلیس شیراز اعلام کرد خواهرش در تماس با او گفته توسط مرد مسلحی در خودرویش به گروگان گرفته شده است. پس از این تماس، تحقیقات پلیسی برای دستگیری گروگانگیر و رهایی دختر جوان آغاز شد. بررسی‌های اولیه نشان داد زن ۳۲ ساله در خودروی خود در کنار خیابان در بلوار معالی‌آباد نرسسته بود که مرد مسلحی وارد خودرو شده و با تهدید اسلحه از او خواسته بود حرکت کند. با ردیابی خودروی این

ربودن دختر جوان با انگیزه شیطانی

ماموران پلیس شیراز در حال تحقیق از متهم ربودن دختر ۲۲ ساله بودند که خبر رسید سه پسر جوان با تهدید، دختر ۲۷ ساله‌ای را در محله‌ای دیگر از شیراز ربوده‌اند. دختر جوان در خیابان احمدی جنوبی شیراز منتظر تاکسی بود که خودروی برابردی مقابلش توقف کرده و سه سرنشین آن، با تهدید و زور او را سوار خودرو کرده و با خود بردند. شاهدان ماجرا بلافاصله با پلیس تماس گرفته و موضوع را اطلاع داده بودند. طرح مهار در منطقه اجرا و ماموران دریافتند گروگانگیران به سمت شهرک مهدی‌آباد فرار کرده‌اند. پس از ساعتی خودروی برپاید توسط ماموران گشت کلاتری بهارستان شناسایی شد و راننده بدون توجه به خطراهای پلیس از محل گریخت. پس از طی مسافتی تعقیب وگریز ماموران با تیراندازی به سمت خودرو موفق شدند سواری را توقف و راننده و دو سرنشین دیگر را دستگیر کنند. در این تیراندازی یکی از گروگانگیران بر اثر کمانه تیر مجروح شد و گروگان ۲۷ ساله نیز نجات پیدا کرد. متهمان که ۲۷ تا ۳۰ ساله هستند، در بازجویی اولیه مدعی شدند؛ با مشاهده دختر جوان که در آن وقت شب تنها کنار خیابان ایستاده بود، و وسوسه ربودن و تعرض به او سراغ‌مان آمد. به همین دلیل دختر جوان را ربودیم اما قبل از

اجرای نقشه‌مان دستگیر شدیم.

سردار رام‌بخش حبیبی، فرمانده انتظامی استان فارس با اشاره به دو ماجرای گروگانگیری گفت: «برخورد با مغلان نظم و امنیت و کسانی که بخواهند باعث رعب و وحشت در جامعه شوند به صورت ویژه در دستورکار این فرماندهی است.» وی تاکید کرد: اطلاع‌رسانی به‌موقع موضوعات به پلیس ۱۱۰ می‌تواند به کشف سریع جرایم کمک کند.

شده وپاس و سرخوردگی هم نصب دشمنان و فتنه‌گران شد. فرمانده فراجا پوشیدن لباس انتظامی را منت خداوند بر سر برخی از زندگانش برای پرکردن توشه آخرت توصیف کرد و گفت: شک تکنید که این خدمت مسیر سخت آخرت را به مسیری سهل بدل می‌کند. عصر دیروز نیز مراسم تکريم و معارفه روسای سازمان اطلاعات، امنیت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نیروی انتظامی در ستاد فراجا برگزار شد.



اتفاقیه

تلاش پدر و تکنيسين اورزانس

برای برگشت نورا به زندگی

لیلا حسین زاده گروه حوادث

راهنمایی‌های به‌موقع تکنيسين اورزانس ۱۱۵ دماوند و هوشمندی پدر نوزاد، نفس‌های نورا

برگشت و فرصت زندگی دوباره پیدا کرد.

تصور از دست‌دادن نورا، کابوسی است‌که یک لحظه هم از جلوی چشمان پدر و مادر و برادر نورا دور نمی‌شود. صبح روز هفتم بهمن بود که مادر به روال هر روز تصمیم‌گرفت قطره خوراکی نورا را در دهانش بچکاند، غافل از این‌که حادثه‌ای عیب‌ب در انتظار دخترکش بود. مادر می‌گوید: «قطره آ.د را که دادم، یک‌دفعه در گلوئی دخترم پرید و نفسش بالا نیامد. کمی ماساژش دادم اما تغییری نکرد. من که هول کرده بودم، از همسر کمک خواستم که او هم تلاش‌کرد تا شرایط دخترمان بهبود پیدا کند اما به نتیجه نرسیدیم.»

در خانه غوغایی به پا بود. امیرحسین ۱۵ساله برادر نورا، استرس داشت و مادر هم از شدت اضطراب گریه می‌کرد و جیغ می‌کشید. امیرحسین که می‌دید حال پدر و مادرش خوب نیست، با اورزانس ۱۱۵ دماوند تماس گرفت و درخواست کمک‌کرد. بعد هم گوشی تلفن را به پدرش داد تا طبق دستورات تکنيسين عمل کند.

محسن زمانی، پدر نورا می‌گوید: «صورت دخترم بعد از خوردن قطره سیاه شده بود. من اصلا خبر نداشتم پسرم با اورزانس تماس گرفته است و بعد از دادن گوشی متوجه شدم. همسرم به شدت بی‌قراری می‌کرد. از او خواستم خودش را کنترل کند تا روی‌کاری که انجام می‌دهم تسلط داشته باشم. حتی کمی هم عصبانی شدم به جهت این‌که همسرم آرام‌آرام کم. تکنيسين اورزانس به من گفت پاهای دخترم را رو به بالا و سرش را به پایین بگیرم و صبره بزنم. چند بار این کار را انجام دادم که خدا را شکر افاقه‌کرد و نفس دخترم برگشت. در تمام مدتی که مشغول انجام

توصیه‌های تکنيسين بودم، خودم را برای هر شرایطی حتی از دست‌دادن فرزندم آماده کرده بودم که اگر خدای‌نکرده از دست رفت، حداقل تمام تلاشم را برای نجات جان او کرده باشم. این را می‌دانستم که با حفظ خونسردی و اعتمادبه‌نفس می‌توانم بهترین عملکرد را داشته باشم. بنابراین در آن شرایط بحرانی به‌جای از دست‌دادن آرامش، تمام توانم را برای به‌کار بستن توصیه‌های تکنيسين اورزانس گذاشتم و خوشبختانه دخترم نجات پیدا کرد.»



در مورد این حادثه به جام‌جم توضیح می‌دهد: «وقتی تماس گرفتند متوجه شدم نوزاد دچار انسداد راه هوایی و به دنبال آن سیانوز (کبود) شده است به پدر بچه آموزش‌های لازم را دادم و گفتم هر دو پای نوزاد را بالا گرفته و سرش رو به پایین باشد و پس از آن آرام و باکف دست به پشت نوزاد ضربه بزنند. ابتدا انجام مانور برای پدر کمی سخت بود اما بیشتر برایش توضیح دادم و تاکید هم کردم که ضربات ورده به پشت نوزاد محکم نباشد. بعد از مدتی متوجه تگرگ‌گیر نوزاد شدم که نشانه خوبی است و خوشحال شدم. به او گفتم خطر رفع شده است اما این کار را آرام‌آرام ادامه دهد. در لحظه‌ای‌که آنها تماس گرفته بودند، آمبولانس را هم اعزام کرده بودم. پدر نوزاد پس از مدت کوتاهی تماس‌گرفت و با حالت بغضی که داشت تشکر کرد و گفت فرزندش نجات پیدا کرده و دیگر نیازی به حضور آمبولانس نیست.»

این اولین باری نیست که عاشوریان با چنین مواردی مواجه می‌شود؛ «معمولا در سال چند بار این اتفاق رخ می‌دهد که با یک مورد هم در امامزاده‌هاشم مواجه شدم. به محض این‌که در پایگاه را باز کردم، کودکی را در آغوشم انداختند که پدر و مادرش عراقی بودند. همان مانور را انجام دادم که خوشبختانه به نجات کودک منجر شد. به‌مرحال خودم هم فرزند دارم و حس بسیار خوشایندی است که با چند توصیه بتوانی جان فرزند یک خانواده (نجات بدهی و شادی را همزمان آتی کنی. توصیه ما به خانواده‌های این است که نوزاد را در حالت نیمه‌نشنسته در آغوش گرفته و شیر مادر یا قطره خوراکی به او بدهند تا دچار انسداد مسیر هوایی و حوادث ناگوار پس از آن نشود.» به گفته مسعود علیان، رئیس مرکز اورزانس ۱۱۵ دماوند، ۱۰ بهمن‌ماه نیز حادثه مشابهی برای یک کودک ۹ماهه اهل مهاباد رویه رخ داده بود که با راهنمایی کارشناس اورزانس این مرکز، این حادثه نیز ختم به خیر شد.

عدلیه

گفت‌وگو با قاتل پاسدار پلیس در جنوب تهران

برای فرار شلیک کردم

همان حوالی وارد دو خانه شده و سرقت کرده و دریاتوق دوستانم در شوش امانت گذاشتیم. حوالی مختاری پرسه می‌زدیم که با ساختمان چهارطبقه در بن بست رو به رو شدیم ظاهر خانه می‌گفت آنجا پول و طلا است. ۲۰ دقیقه آنجا بودیم و وسایلی را سرقت کرده و در چمدان گذاشته و از بالکن پایین آمدیم.

بعد چه شد؟

چند مرد را دیدیم که دنبالمان می‌آمدند. چمدان را در پارکینگ انداختم، خواستند مانع فرارمان شوند که با کلتی که هشت میلیون تومان خریده بودم، پنج‌تیر شلیک کردم که بترسند و فرارکنیم، اما دو مرد زخمی شدند و ما فرار کردیم. اموال قبلی را از دوست‌مان گرفتیم و فروختیم. یک هفته دست از سرقت کشیدیم و دوباره سرقت کردیم. می‌خواستیم از ۱۰۰ خانه سرقت کنیم تا پولدار شویم.

چطور بازداشت شدی؟

دو هفته قبل از قتل، با پراید م در جاده اراک تصادف کردم و خودرو به پارکینگ پلیس منتقل شد. شامگاه یکشنبه که رفتم تحویل بگیرم بازداشت شدم. با اعتراف من همدستم نیز بازداشت شد. آن موقع بود که فهمیدم آن مرد زخمی، فوت شده است، اکنون شوکه و شیمانم.



جام‌جم

حوادث

۱۹

سه‌شنبه ۱۱ بهمن ۱۴۰۱ شماره ۶۴۲۱

کوتاه‌از حوادث

ربودن پدر با نقشه پسر

مرد جوان برای این‌که مشکلات مالی‌اش را حل کند به کمک دوستش نقشه ربودن و اخاذی از پدرش را به‌اجرا گذاشت. به گزارش خبرنگار جام‌جم، اوایل بهمن امسال مردی میانسال با حضور در نزد بازپرس کشیک دادسرای جنایی تهران از مرد آدم‌ربایی شکایت کرد. پرونده با دستور قضایی به پلیس آگاهی تهران ارسال شد و شاکی در تحقیقات گفت: به‌خانه‌ام در تهران بازمی‌گشتم که مردی صدایم زد و بعد از گفت‌وگوهای اعلام کرد نیکوتار است و چون شنیده پسر دم‌دچار مشکلات مالی شده، می‌خواهد به او کمک کند. اعتمادم را جلب کرد و برای ادامه گفت‌وگو، مرا سوار خودرویش کرده و به خانه‌ای برد. او مرا در اتاقی انداخت و هشت ساعت محبوس کرد. رمز کارت‌هایم را گرفت و موجودی آن را خالی کرد. بعد مرا از خانه بیرون برده و رها کرد و بعد از تهدیدم متواری شد. در ادامه متهم تحت تعقیب پلیس قرار گرفت و دو روز پیش بازداشت شد. او در تحقیقات گفت: پسر شاکی دوستم بود و مشکلات مالی داشت، چون پدرش به او پول نمی‌داد، نقشه ربودن و اخاذی از او را طرحی به به کمک من اجرا کرد. من نیز پول را به حساب پسرش واریز کردم. با اعتراف وی، پسر شاکی هم بازداشت‌شد و اعتراف کرده‌که چون پدرش به او پول نمی‌داده، این آدم‌ربایی را به قصد اخاذی اجرا کرده‌تا بتواند با آن پول، بدهی‌هایش را بپردازد.

پسر معتاد تنها مظنون در مرگ پدر

مرد جوان معتاد به عنوان تنها مظنون در قتل پدرش بازداشت شد و تحقیقات پلیسی از وی ادامه دارد. به گزارش خبرنگار جام‌جم، صبح دوشنبه دهم بهمن ماموران کلاتری خزانه تهران از مرگ مشکوک مردی ۶۵ ساله در یک خانه قدیمی باخیر شدند. ماموران همزمان با حضورشان در آنجا مشاهده کردند که خانه به‌هم ریخته و پر از ضایعات است و جسد آن مرد در اتاق خواب افتاده است. آثار بسنت طناب روی دست و پای او و کبودی و ضربه جاققو روی گردنش وجود داشت. ماموران در ادامه آثار رد خون را روی پتو فرش اتاق یافتند. موضوع این قتل به وحید ناصری، بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران گزارش و تحقیقات پلیس جنایی در این رابطه آغاز شد. ماموران از پسر مرد مقتول تحقیق کردند که گفت: برادرم در تصادف فوت کرده ووالدینم چند سال قبل جدا شدند. من با مادرم در کرج زندگی می‌کردم. یک هفته قبل برای سرکشی نزد پدرم آمدم. تریاک مصرف می‌کنم و آن شب با پدرم قلیان کشیدیم و خوابیدیم. او در اتاقش خوابید. صبح که شد من برای انجام کاری بیرون رفتم و وقتی یازگشتم جسد پدرم را یافتم. همچنین آثار کبودی ناشی از ضرب و جرح روی گردن پسر مقتول و جود داشت که شک پلیس را به او بیشتر کرد. همچنین پزشکی قانونی اعلام کرده‌بود که یک‌شنبه روز از مرگ آن مرد گذشته‌است. همین سرخ کافی بود که پلیس احتمال دهد مرد جوان پدرش را کشته و قصد انتقال جسد را داشته که موفق نشده است. او به عنوان مظنون پرونده بازداشت و تحقیقات از او دراداره دهم پلیس آگاهی تهران ادامه دارد.

کاشت درخت؛ مجازات نوجوان

نوجوانی به دلیل رانندگی بدون گواهینامه به کاشت درخت در بلوار شهرستان حمیدیه از سوی قاضی دادگاه محکوم شد. به گزارش فارس، یاسر فرج‌وند، دادرسی شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو، شهرستان حمیدیه حکم جالبی برای یک نوجوان صادر کرد. در این حکم نوجوانی که بدون داشتن گواهینامه اقدام به رانندگی با موتورسیکلت کرده بود، با توجه به نظریه «اصل درگرسازی شهروندان در تصمیمات حاکمیتی» و به‌منظور تقویت مشارکت و مسئولیت‌های اجتماعی شهروندان، این نوجوان به خریداری سه اصله نهال برهان گلی و کاشت آن در بلوار اصلی شهرستان حمیدیه محکوم شد.

آسیب ۱۰خانه با انفجار

اختلاف خانوادگی باعث شد مردی به عمد باعث انفجار خانه شود و در پی آن به ۱۰ باب خانه هم خسارت وارد شود. سامان محمدی، مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری میاندوآب استان آذربایجان غربی به‌تسним گفت: حادثه انفجار گاز باامداد دوشنبه در یک ساختمان سه‌طبقه در کوی سپند میاندوآب رخ داد که به کسی آسیب جانی وارد نشد. علت این حادثه عمدی بوده و با بریدن شیلنگ‌های گاز شهری رخ داده‌است. شدت این انفجار به‌حدی بود که به ۱۰منزل مسکونی در نزدیکی محل حادثه نیز خسارت وارد شده‌است. این گزارش حاکی است، این حادثه به‌علت اختلاف خانوادگی اتفاق افتاده و در پی آن فرزند خانواده شیلنگ گاز را برید و خانه را که خالی از سکنه بود، ترک کرد.